

◀ بر اساس این نوآوری، کدام یک از واژگان فارسی و عناوین افراد، برای اولین بار در روزنامه ایران استفاده شد؟  
واژه‌هایی مثل «سردار سازندگی، رهبر فرزانه انقلاب، رهبر نیک‌اندیش انقلاب» و بسیاری از واژگان فارسی برای اولین بار در روزنامه ایران چاپ شد و بعد از آن مورد استفاده رسانه‌های دیگر قرار گرفت.

◀ برای جداولی که در روزنامه کار می‌شد، چطور. ملاحظاتی وجود داشت؟  
می‌توانم بگویم با تمام جداولی که تا آن زمان در رسانه‌ها چاپ می‌شد، تفاوت داشت. جداولی از ساده تا پیچیده در روزنامه چاپ می‌شد که حل آنها جایزه داشت و همین هم بر تعداد مخاطبان ثابت «ایران» اضافه می‌کرد.

◀ این تنوع و البته نوآوری در «ایران» مشکلاتی هم به همراه داشت؟

درست است که توانسته بودیم با هرکدام از مخاطبان ارتباط برقرار کنیم و سعی داشتیم روزنامه‌ای باز باشد که همه جهت‌های فکری را راضی کند، اما از آنجا که نسل‌های گذشته و قدیم را به کار گرفته و پیوندی میان سه نسل برقرار کرده بودیم، این نوآوری سبب شده بود از سوی کسانی که این فضا را در آن زمان بر نمی‌تابیدند، از نظر فکری و سیاسی بسیار آزرده شویم. با این اوصاف خوشبختانه با قدرت جلو رفتیم و در کنار روزنامه فارسی، توانستیم زبان‌های دیگر را زیر چتر ایران بیاوریم به گونه‌ای که روزنامه الوفاق عربی، ایران دیلی انگلیسی و ایران ورزشی را نیز برای ورزشی‌ها راه‌اندازی کردیم.

◀ روزنامه‌های خارجی زبان از چه زمانی راه‌اندازی شدند؟  
در فاصله‌ای خیلی کوتاه. ما در آن مقطع احساس کردیم باید یک زبان مشترک بین نظام ما و کشورهای عربی ایجاد شود؛ متوجه شده بودیم بین ایران و آنها زبان مشترکی وجود ندارد؛ به این ترتیب با شروع به کار «الوفاق»، روزنامه همزمان در بیروت و چند شهر دیگر هم منتشر می‌شد و باید بگویم که «الوفاق» نقش بسیار مهمی در ایجاد فضای دوستی بین ایران و کشورهای عربی، حاشیه جنوبی خلیج فارس و کشورهای خاورمیانه بازی کرد و تصویر جدیدی از ایران، انقلاب و ایده‌های ایران در روزنامه کشورهای عربی منعکس شد.

گذشته از این، نام هوشمندانه‌ای برای این روزنامه انتخاب شد که امروز هم دولت مستقر همین موضوع یعنی «وفاق» را مطرح می‌کند. همین نگاه را در مورد کشورهای خارجی نیز داشتیم تا به واسطه «ایران» آنهایی که انگلیسی زبان هستند یا سازمان‌های بین‌المللی، از طریق «ایران دیلی» ایده‌های ایران را به زبان خودشان داشته باشند. در مقابل شاهد علاقه وافر جوانان به ورزش بودیم و همین موجب شد تا «ایران ورزشی» جزو روزنامه‌های خوب و برتر «ایران» شود؛ البته این روزنامه در ورزش اول نبود ولی جزو یک یا دو روزنامه اول در حوزه ورزشی بود. هفته‌نامه «ایران جوان» که پیشتر برای شما توضیح دادم، در واقع مردم برای گرفتن آن صف می‌کشیدند.

◀ این استقبال به ادبیات هفته‌نامه ایران جوان ارتباطی داشت؟ با زبان روزنامه متفاوت بود؟  
همینطور است. کاملاً ادبیات متفاوتی داشت. حتی عکس‌ها متفاوت بود. در کل همه چیز این هفته‌نامه با روزنامه فرق داشت.

◀ از جنس همان تفاوتی که در صفحه آخر روزنامه ایران وجود داشت؟  
بله. به نوعی سعی داشتیم در هر بخش روزنامه تفاوتی

چشمگیر همراه با نوآوری ایجاد کنیم. ما در آن مقطع سعی کردیم گراف، طنز و کاریکاتور متفاوتی به روزنامه بیاوریم؛ در حقیقت صفحه آخر که به نوعی یک صفحه اجتماعی-هنری هم بود، دو ویژگی داشت؛ یک ویژگی اینکه جمله خیلی کوتاهی داشت با عنوان «با تو می‌گویم» که برای بسیاری از خوانندگان جذاب بود و دیگر اینکه در این صفحه، طنز و کاریکاتوری وجود داشت که با کاریکاتورهای دیگر در آن مقطع متفاوت بود چراکه هم انتقادی بود و هم مسائل روز را مطرح می‌کرد. در واقع سعی می‌کردیم با زبان مناسبی که هم جنبه انتقادی و هم جنبه تشویقی داشته باشد، به مسائل ورود کنیم. حتی گلایه‌ها را هم با همین زبان مطرح می‌کردیم.

◀ آیا ماهنامه «ایران آذین» نیز در همین مسیر جلو می‌رفت؟  
قطعاً نوآوری، دلیل شکل‌گیری همه آنها بود؛ می‌خواستیم برای نوع و نحوه زندگی که آن زمان تازه از اصطلاح لایف‌استایل برای آن استفاده می‌شد، یک ماهنامه‌ای منتشر کنیم که خوشبختانه با موفقیت حاصل شد و نام آن را «ایران آذین» گذاشتیم. حتی «سالنامه ایران» هم با نوآوری همراه بود.

◀ ایده دانشکده خبر چطور پخته شد؟  
از آنجا که می‌خواستیم تخصص را به روزنامه‌نگاری یا ارتباطات اضافه کنیم، نتیجه را در شکل‌گیری دانشکده خبر دیدیم. به این معنا که در آن مقطع حس کردیم کسانی که از دانشکده‌های ارتباطات و روزنامه‌نگاری فارغ‌التحصیل می‌شوند، شبیه مهندسانی هستند که نمی‌دانند چطور آچار دست بگیرند و نیاز است به لحاظ نظری و عملی روزنامه‌نگاری را درک کنند و در این مسیر متخصص شوند. لذا آمدیم در سایه دانشکده خبر، خبرنگاران متخصص در زبان، عکاسی و تولید خبر پرورش دادیم؛ مثلاً گفتیم ما خبرنگار اقتصادی، خبرنگار فرهنگی، سیاسی و بین‌المللی نیاز داریم. به این ترتیب از ۱۳۰ تا ۱۴۰ واحدی که باید در دانشگاه پاس می‌کردند، ۶۰ تا ۷۰ واحد را در حوزه ارتباطات و باقیمانده واحدها را در شاخه‌های تخصصی می‌گذرانند. مثلاً خبرنگار اقتصادی باید با مفاهیمی مثل اقتصاد خرد، کلان، تولید ناخالص ملی و... آشنا می‌شد تا می‌توانست به آن عرصه تسلط کامل داشته باشد و بتواند چالش و بحث کند نه اینکه جلوی وزیر بنشیند و در مقابل هرآنچه او گفت، فقط سرش را تکان دهد. این یک واقعیت بسیار مهم و ارزشمند در آن زمان به حساب می‌آمد و تأثیر خیلی بزرگی داشت.

◀ انتشارات ایران» برای جان تازه بخشیدن به دانشکده خبر روی کار آمد؟

برای این دانشکده باید بخش‌های خاصی تعریف می‌شد. به عنوان مثال باید شاخه عکاسی خبری ایجاد می‌کردیم چراکه عکاسی خبری با عکاسی تفاوت‌های زیادی دارد. مترجمی خبر شاخه دیگری بود تا خبرنگاران متخصص در این زمینه، بتوانند اخبار را به زبان‌های انگلیسی و عربی ترجمه کنند. همه اینها سبب شد تا نیاز به راه‌اندازی «انتشارات» احساس شود. باید به عمق بیشتر مسائل می‌رفتیم که تنها با «انتشارات ایران» ممکن بود؛ در ابتدا کتاب‌های حرفه‌ای برای دانشکده خبر که تازه راه‌اندازی شده بود، منتشر می‌شد و بعد از آن با انتشار کتاب‌های خواندنی دیگر، «ایران» آرام آرام به یک مؤسسه بزرگ تبدیل شد.

◀ آخرین مواردی که از نوآوری در «ایران» به یاد دارید، کدامند؟  
همواره بین «ایرنا» و «ایران» ارتباط وجود داشت. آن زمان در

✓  
الوفاق» نقش بسیار مهمی در ایجاد فضای دوستی بین ایران و کشورهای عربی، حاشیه جنوبی خلیج فارس و کشورهای خاورمیانه بازی کرد و تصویر جدیدی از ایران، انقلاب و ایده‌های ایران در روزنامه کشورهای عربی منعکس شد. گذشته از این، نام هوشمندانه‌ای برای این روزنامه انتخاب شد که امروز هم دولت مستقر همین موضوع یعنی «وفاق» را مطرح می‌کند